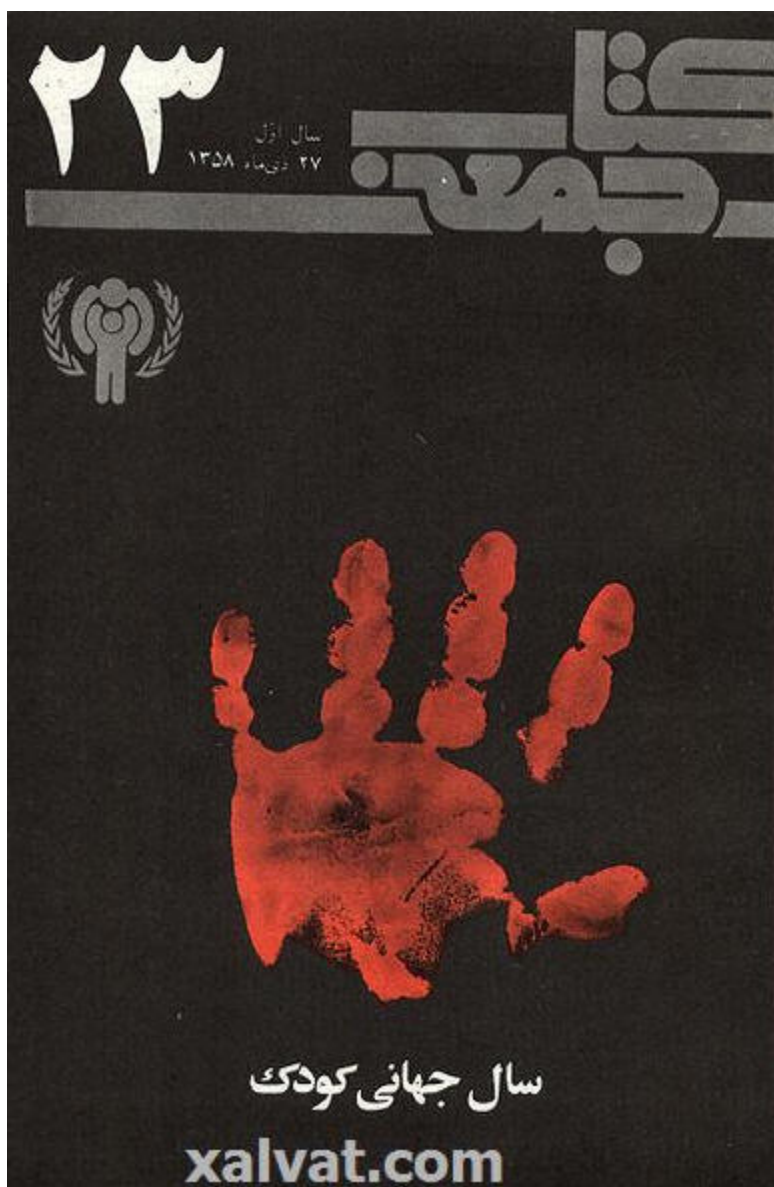




797

سیروس طاهباز : قدیمی ترین شعر برای کودکان [ایران]



طرح روی جلد از: علیرضا اسپهبد



هفته نامه سیاست و هنر

سر دبیر: احمد شاملو

با همکاری شورای نویسندگان

تزیین و تنظیم صفحات: ابراهیم حقیقی

مکاتبات با صندوق پستی ۱۵۰۱۱۳۲ (تهران)

مرکز پخش: تلخ ۸۲۸۸۲۲ (تهران)

مطالب رسیده به هیچ عنوانی فایده
استرداد نیست. شورای دبیران در حاکم و
اصلاح مطالب آزاد است.

بهای اشتراک

برای ۵۰ شماره ۴۰۰۰ ریال

برای ۲۵ شماره ۲۲۵۰ ریال

برای ۲۵ شماره در اروپا ۳۲۵۰ ریال

برای ۲۵ شماره در آمریکا ۴۰۰۰ ریال

که قبلاً دو پانصد می‌شود

خواستاران اشتراک می‌توانند مبلغ لازم را
از نزدیکترین شعبه هر یک از بانکها به حساب
شماره ۴۲۰ بانک سپه (شعبه اتوبانک باشگاه)
واریز کنند و رسید آن را به ضمیمه نشانی خود و یا
فید این که مجله را از چه شماره می‌خواهند
به نشانی پستی «کتاب جمعه» بفرستند.

شماره‌های گذشته هفته نامه را می‌توانید از
کتابفروشی‌های مغایل دانشگاه تهران تهیه کنید.

اشتراک ویژه

با ارائه کارت تحصیلی ۵ شماره

۲۵۰ ریال

برای اشتراک به مرکز پخش مراجعه نمائید.

فایل توجه خوانندگان و همکاران

دست به کار تنظیم شماره‌های از
کتاب جمعه هستیم به ترتیب:

• ویژه فلسطین

• ویژه کودکان (به مناسبت سال جهانی کودک)

• ویژه آفریقا

• ویژه آمریکای لاتین.

چنانچه مطالب و استاد و بررسی‌ها و
تصاویر جالبی در این زمینه‌ها در اختیار
داورید، ما را به مرجع پرباورتر کردن این
ویژه‌نامه‌ها باری کنید! زمان دقیق انتشار هر
یک از این ویژه‌نامه‌ها بعداً اعلام خواهد شد.

برای تکمیل بایگانی کتاب جمعه در
زمینه تصاویر شخصیتها و وقایع جهان
سیاست، و علم و هنر به باری شما نیازمندیم.
چنانچه تصاویری در این زمینه‌ها دارید برای
ما بفرستید.

xalvat.com

بها ۱۰۰ ریال

سال اول
۲۷ دی ماه ۱۳۵۸

کنار خمس

xalvat.com

فصله	طرح و عکس
● شافاده کوچولو آنتوان دوسن بکزو باری ۲۰	● طرحی از ابراهیم حلیلی ۲
● چهار حکایت از داوینچی ترجمه لیلی گلستان ۶۵	● طرحی از توپون ۸
● نوهایی دهشی فانس کریستین آندرسن ۷۳	● نقاشی‌های کودکان ۱۲۳
● اپرای ماه ژاک پرودر ۱۶	● مقالات و مقلولات
● مرگ یک چریک آرین صدرشیمی ۱۰۲	● آخرین صفحه نظریه ۳
● انقلاب در دهکده ما زیور انزلی ۱۷۵	● آینده مطمئن و صلح امیر برای تمام کودکان فریدا برارن ۹
● شعر	● درباره تاریخ اشیات کوشه در ایران فرخ صادقی ۱۳۸
● قدیمی ترین شعر برای کودکان سپروس طاهیان ۱۰۲	● بازسازی نقش اشیات کوشه فرخ صادقی ۱۴۶
● شعرهای کودکان ترجمه منصور اوجی ۱۱۶	● با کودکان و ترجمانان انگسازر بیخاتیل سولولخف ۱۵۱
	● سعوی ۱۵۱
	● نظریه جوانان ج. ان. راکر ۱۵۲
	● جهانگیر مختاری



xalvat.com

فصلی از

«جستاری در ادبیات کودکان ایران»

قدیمی ترین شعر برای کودکان

سیمای کودکان در ادب رسمی ایران، یعنی آنچه در دیوان‌ها و تذکره‌ها و تواریخ مسطور است، مثل زندگی و شرح احوال بسیاری از بزرگان ادب، سبعانی‌محو و ناپیدا است. کودکان، هم‌چون بدوان و مادران، در آثار فراوان و گونه‌گون شاعران ما حضوری غیرمستقیم دارند. گویی سخن گفتن از آنان دون‌شان شاعری‌ست!

سخن از کودکان هست، اما نه آشکار و روشن، بلکه در جامه‌های کوناه و بلند و همواره بی‌خبردار بندها و بندها، این که این میاش و آن باش، یا در پانگ بریده در گلوی زاری‌ها و سوگنامه‌ها و مرثیه‌ها، یعنی پدید فرزند بودن، آن دم که زنده نیست!

xalvat.com

صبحگاهی سر خوناب چگر بگشائید
زآله صبحدم از ترگس تر بگشائید...
نازنینان منا مُرد چراغ دل من
هچو شمع از مزه، خوناب چگر بگشائید
خبر مرگو چگر گوشه من گوش کنید
شد چگر، چشمه خون، چشم غیر بگشائید
بلبل نغمه‌گر، از باغ طرب شد به سفر
گوش بر توحه زالحان به‌حضر بگشائید...»

گذشته از آثاری که از بد حادثه بر جا نمانده است یا تاکنون از محیس نسخه‌های خطی راهی به بیرون نجسته است، در آثاری که از پیشمار شاعران سرزمین‌مان در دست داریم کم‌تر خطاب روشن و مستقیمی به‌کودک، این کوچک‌ترین فرد خانواده، به‌جشم می‌خورد، به‌ندرت شاعری - گرچه ناشناخته چون «سراج قمری» در اواخر قرن ششم - چنین نمونه‌یاك و روشنی را در ستایش فرزندش در دیوان خود به‌ثبت رسانده است:

خاصه که ز دهر پیر خودرای
وز گردش چرخ حافظه‌زای
دارم بسری به‌کام و ناکام
چون ذکر جمیل تو «حسن» نام.
پسته دهن و نیات پاوه
همچون خرماست شیرخواره،
یک ساعت اگر رخس نبینم
پیشانی فرخس نبینم،
بیمست که جان من برآید
عیش من و لهو من سرآید...»

جز قله‌ها و کوه‌های ادب فارسی، حافظ و مولوی و ناصر خسرو... همه آن بزرگمردانی که حرمت «در لفظ دری» را می‌شناختند و هر عقوبتی را در راه آن به جان می‌خریدند، گوئی در صف طویل شاعران ما انجام وظیفه بیرونی شاعری، مدح و مرثیه و تهنیت و تعلق گفتن، چندان وقتگیر بود که کمتر فرصت رسیدگی به امور خودی و زندگی درونی پیش می‌آمد...

باری، بگذریم و به زمان و زمانه خود نزدیک‌تر شویم. رسم بر این است که سرفصل و سرآغاز بسیاری از پدیده‌های تازه ادبی و اجتماعی را انقلاب مشروطیت و آغاز دوره بیداری و آشنایی با رسم و راه ادب فرنگیان بشماریم. به این ترتیب نخستین سازندگان شعرهای مستقلی برای کودکان ایران، ایرج میرزا و حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی و مهدبقلی خان هدایت (مخبرالسلطنه) و محمد تقی بهار، و یا به اعتبار مفاهیم امروزی شعر، نعیابوشیخ شمرده می‌شوند. تا کمی بعد، توبت به‌جبار یا عچه‌بان برسد که به دلیل تداوم کارش و پیوستگی کار و زندگی‌اش، که بلندترین و پرثمرترین شعرها بود، به حق می‌توان او را نخستین شاعر کودکان ایرانی دانست.

xalvat.com

اما در این جست‌وجو ما به سندی دورتر از این تاریخ و زندگی این شاعران دست یافته‌ایم که آن را در پی ذکری از آثار این شاعران معرفی می‌کنیم.

ایرج میرزا (ولادت ۱۲۹۱ ه.ق. - وفات ۱۳۴۳ ه.ق.) به‌جز داستان‌های کوتاهی که اکثراً ترجمه از منابع بیگانه^۱ عربی یا فرانسه است، و آن‌ها را می‌توان به‌زحمت از مقوله مواد خواندنی برای کودکان محسوب داشت، آثاری را هم به‌طور مستقیم برای فرزند خود خسرو، یا عموم کودکان ساخته است.

از مقوله اول، این آثار در دیوان ایرج^۲ ثبت است:
داستان دو موش (۱۴۱)، خرس و صیادان (۱۴۳)، شیر و موش (۱۴۵)،
کلاغ و روباه (۱۵۳)، طوطی (۱۵۷)، آرزوی خردم بریده (۱۱۸) و مهرمادر (۱۸۷).

این آثار را هم ایرج برای عموم کودکان، ساخته است:
نصیحت به فرزند (۱۳۶)، برای کتاب آقای مخبرالسلطنه (۱۴۴).

شکوه شاکرد (۱۵۳)، شوق درس خواندن (۱۵۴)، نوروز کودکان (۱۵۴)،
بسر بی هنر (۱۵۵)، مادر (۱۶۷)، حق استاد (۱۷۲)، بامداد (۱۸۸)، مادر
(۱۸۹) و وطن دوستی (۱۹۴).

که این نمونه‌نیست از این دست آثار ایرج با نام بامداد:



صبحدم کاین مرغ کیهان آشیان
بال بگشاید فراز کوهسار
پنجه و منقار تورافشان او
برده شب را نماید تار و مار،
در چمن، پروانه عاشق منش
- آن گل جاندار خوش نقش و نگار -
از غلاف پیرهن آید برون،
پهرن بر تن درد از عشق پار؛
بر پرد زین گل به آن گل، شادمان،
بود این را غیب و آن را عذار.

xalvat.com

همچنان آن طفلک شیرین زبان
در لطافت آمده چون گل به بار
سالم و سرخ و سفید و چاق و گرد
با دو چشم چون ستاره، نوربار
- همچو گوهر کز صدف آید برون -
آید از شادبچه بیرون، شادخوار
بنگرد بر گلستان خانگی،
بال بگشاید همی پررانه‌وار،
دست مادر بود و روی پدر،
این در آغوشش کشد، آن در کنار.

حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی (تولد ۱۲۷۹ ق.ه. درگذشت ۱۳۱۸
ه.ش.) از روشنفکران دوران مشروطه و بنیانگذاران مدارس و مؤسسات
فرهنگی و از نخستین نویسندگان کتاب‌های درسی در ایران است.
این نمونه‌نی از بهترین شعرهای دولت‌آبادی است که در کتاب‌های
درسی هم آمده است:

صبح

از افسق، صبحدم سفید دمید
با شکوه و جلال و جاه رسید
پادشاه ستارگان خورشید
باز شد دیدگان من از خواب
بده از آفتاب عالمتاب!

شب تاریک رفت و آمد روز
پادشاه ستارگان امروز
باز شد دیدگان من از خواب
بده از آفتاب عالمتاب!

یک طرف ناله خروس سحر
باتک الله اکبر از یکسر
از صدای نوازش مادر
وز سخن‌های دلپذیر پدر
باز شد دیدگان من از خواب
بده از آفتاب عالمتاب!

xalvat.com

مهدیقلی خان هدایت (سخیرالسلطنه)، از نویسندگان همین دوره، از طرف «کمسیون معارف» مأموریت یافته بود که «خواندنی‌های کودکان» را فراهم آورد. جزوه‌نی جنگ‌مانند، بدون تاریخ چاپ، با حروف درشت اعراب‌دار و مصرع در ۲۴ صفحه با نام «سه فندق، خواندنی برای کودکان» فراهم آورده این نویسنده در دست است که حاوی قطعات کوتاه منتور و منظوم است، اکثراً با امضاء م. ق. هدایت و همچنین دو شعر از یحیی دولت‌آبادی و ایرج میرزا.

این هم نمونه‌ایست از آثار منظوم این نویسنده، در این جنگ (ص ۸):

خروس صبح

خروس صبح گوید قوقباقای
بشونی تا تو دست و روت را پاک
زنی موی سرت را خوب شانه
نمازت را بنوانی بی‌کم و بیش
خوری چایی و نان چاشت، آنگاه
به‌درست می‌رسی در اولین زنگ

هوا روشن شده برخیز از جای
بدندان‌ها زنی پاکیزه سواک
پگیری تا وضو بپوش دوگانه
کنی شکر و ثنای خالق خویش
به‌سوی مدرسه افسی تو در راه
نداری پیش همتاگردیمان ننگ

محمدتقی بهار (ولادت ۱۲۶۶ ه. ش. - وفات ۱۳۳۰ ه. ش.)
بزرگ‌ترین و گرامی‌ترین شاعر سنتی و محقق کم‌نظیر عصر ما هم در این
زمینه، آفریدن آثاری برای کودکان، طبعی آزموده است که در دیوان او ثبت
است.

xalvat.com

مشهورترین این آثار «سرود مدرسه» است که بهار آن را در سال
۱۳۱۰ برای کودکان دبستانی ساخته است و چنین آغاز می‌شود:



ما همه کودکان ایرانیم
مادر خویش را، نگهبانیم...

آثار دیگر بهار که در دیوانش ثبت است این‌هاست:

اندرز به جوانان (۱۳۳)، بچه ترس (۱۸۸)، تنبلی عاقبتش حمالی است
(۲۲۱)، رنج و گنج (۳۳۰)، خدا و والدین (۳۳۱) و مونس پدر (۴۸۶).

سخن گفتن از شعر و شاعران این دوره از تاریخ ایران، بدون ذکر نام و
تأثیر میرزا علی اکبر صابر (۱۸۶۲-۱۹۱۱)، خالق کتاب «هوب‌هوب‌نامه» و
بنیانگذار شعر واقع‌گرای آذربایجان، سخنی ناتمام است. صابر نه تنها
چشم‌پینا و جان آگاه انقلاب مشروطیت ایران است، در زمینه مورد بحث ما
هم آثار با ارزشی دارد.

این آثار از روی ترجمه فارسی کتاب «هوب‌هوب‌نامه» نقل می‌شود:
اشعار مربوط به کودکان ساخته شده در سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱:
هدیه به اطفال دبستان (۴۲۵)، گاومیش و سبیل (۴۲۷)، شبان دروغگو
(۴۲۸)، هدیه به شاگردان مدارس (۳۳۰)، یزشک و بیمار (۴۳۲)، باغبان بیر
(۴۳۳)، مور (۴۳۴)، لحاف ملانصرالدین (۴۳۶)، اسکندر و فقیر (۴۳۷)،
دهقان بیمار (۴۳۹)، ملانصرالدین و دزد (۴۴۱)، عنکبوت و کرم ابریشم
(۴۴۲).

اشعار مربوط به کودکان که سال انتشارشان معلوم نیست:

تاجری که در خریدن زیاد می‌گرفت و در فروختن کم می‌داد (۴۴۳)،
شخمکار (۴۴۵)، روزهای بهار (۴۴۶)، تشویق به مدرسه (۴۴۷)، هوس
(۴۴۹)، کودک و بیخ (۴۵۰)، کلاغ و روباه (۴۵۱)، صحبت درختان (۴۵۳).

كودك و بول (۴۵۵) و ترغیب به علم (۴۵۷).
ترجمه دو نمونه از شعرهای صابر را از همین کتاب بخوانیم:

xalvat.com

آب شوی به ناچار،
روی سوی جو بیار.»

۲

روزهای بهار

بیا، بیا، ای بهارا
خوشی، سعادت پیارا

آب بکن یرف کوه
به باغ‌ها ده شکوه

سیل شود جو بیار
غله بیاید پیار

درخت پر گل شود
به تفرقه بلبل شود

۱

كودك و بیخ
از روی بیخ يك پسر
مدرسه می رفت سحر.

سرخورد پكدفعه او،
خورد زمین همرو.

برخواست چون از زمین.
گفت به بیخ این چنین:

«بدی تو ای بیخ. بدان!
زمین زنی مردمانا

عمر تو بی اختیار
یزودی آید بهار.

نخستین شعری که از نیما یوشیج، بنیانگذار شعر امروز ایران، در این
زمینه در دست است تاریخ مردادماه سال ۱۳۰۵ را دارد:

آواز قفس

من مرغك خواننده‌ام
می‌خوانم من نالنده‌ام
پرورده‌ی ابر و گلم
می‌خوانم من، من پللم
افتاده هر چند از خوس.
در عشقه‌های سیاه
يك شب که می‌تایید ماه
دستی به من زد دوست، من
از آن زمان در هر دهن
می‌خوانم آواز قفس.



در حاشیه دستنوشته این شعر که همراه دو شعر دیگر برای کودکان، در ورقه بلندی پاکتویس شده است، نیما این یادداشت را نوشته است: «شعرهایی برای کودکان، مثل شعرهایی که محمودخان ملك الشعراء برای فرزندان فامیل ساخته است.»

xalvat.com

محمودخان ملك الشعراء صبا، فرزند محمدحسین خان عندلیب، و نوه فتحعلی خان صبا ملك الشعراء است. متولد سال ۱۲۲۸ ه. ق. به طبع رساننده دیوانش «دیوان محمودخان نزدیک به ۲۶۰۰ بیت می باشد که گویا شاعر در اواخر عمر از میان اشعار خود انتخاب و بقیه را از بین برده است.»

این دیوان يك قصیده در مدح مولای متقیان، ۳۵ قصیده در مدح ناصرالدین شاه قاجار، ۶ قصیده در مدح میرزا آقاخان اعتمادالدوله صدراعظم، ۷ قصیده در مدح دیگر بزرگان زمان، يك ترکیب بند در ثناء شهیدان کربلا، ۷ مرثیه در سوگ بزرگان زمان، ۲ تاریخچه و ۲ بهاریه و يك بث الشکوی در شرح غم و رنج شاعر دارد.

در جست و جوی شعرهایی که محمودخان ملك الشعراء برای فرزندان خود یا فامیلش ساخته بود و برای شان می خواند، چنان که نیما نوشته است. از بازماندگان شاعر جویا شدم. خانم والیا امیرمعز، از اعقاب شاعر، لطف کرد و آنچه از بزرگان خانواده شان شنیده بود در اختیارم گذارد. چندی بعد، ضمن فراهم آوردن مجموعه‌ئی از آثار نیما یوشیج به یادداشت دیگری از این شاعر برخوردم که در آن نوشته بود: «از محمودخان ملك الشعراء است. در بهمن ماه بود که این اشعار را ابوالحسن صبا از مادرش شنید و به خط خود نوشت» ۱۳۲۵ ه.

در پشت و روی این یادداشت چند شعر از محمودخان ملك الشعراء صبا (متوفی به سال ۱۳۱۱ ه. ق.) ثبت شده است که تا این تاریخ، قدیمی ترین شعر کودکان به زبان فارسی شمرده می شود. علاوه بر نقل تمامی این دو صفحه یادداشت، ضمناً با یاد این سه بزرگوار، عکس صفحه‌ئی از این یادداشت را نیز چاپ می کنیم:



ابوالحسن صبا

از (مردمان کدالغرا) صبا :

باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه
باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه
باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه
باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه

باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه
باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه	باز منم که در کوه باز منم که در کوه

کتابخانه
کتابخانه

xalvat.com

رفتم به باغ لالهزار
دیدم: سه یار گلغذار
یکی گل و دو تا بهار
پوشیده رخت زرتنگار.

باغبون آمد با بیلش
با ریش و با سیبش
با تن همچو قیلش
انگور نوری زنبیلش.

گفتا: «شوید مهمان من
بیایید توی ایوان من
بخورید از این بریان من
بکشید از این قلیان من

تساکوری شیراز دارم
انار هفت گاز دارم
پنیر کزاز دارم
پسته دهنواز دارم»

بیلشو گذاشت با صد شتاب
پیش درخت رجوی آب
آتش روشن کرد به حساب
آورد پنج شش سیخ کباب»

گفتا: «کنید با هم کمک
بازی کنید الگ دولک
تا بیارم گوشت و نمک
با یک دستمال انچوچک»

قبله کنیم، فرمه کنیم
گوشت توی برمه کنیم»

• منقول از نسخه طائف والیا.
•• برمه، دیک سنگی.

با رخت‌های ترمه کنیم
چشم‌هامونو سرمه کنیم.

میوه باغ مال شما
کنم به دستمال شما
به قدر یک سال شما
آرم به دنبال شما.

بهار که شد آنید به باغ
صبح سحر، پیش از کلاغ
پالون نهید روی الاغ.

منزل کنید زیر چنار
تا بیارم تفت خیار
تفت دگر، سیب و انار
با هلوهای آبدار.

بعدش بیارم کمیوزه
بعدش بیارم خربوزه
کمیوزه‌های خوشمزه
تا بخورید مثل بزه.

بعدش رویم توی خونه
مثل گنجشک توی لونه
گندم خوریم و شادونه
با نفل هل، دونه دونه.

بعدش رویم زیر لحاف
با لحاف‌های خوش لفاف
لحاف کشیم به روی تاف
ز کوزه خوریم آب صاف.

xalvat.com

رفتم به باغ پسته
علیقلی یک تشسته

سیلی زدم به گوشش
گوشواره‌ها به گوشش

هاون رو بیار با دسته بشکن.

۴

این در باغ اناور
اون در باغ انار
میون باغ چنار
علیقلی بك بیمار
بر نجایش بیمار

گر به دارم، چه براق
می رود شهر عراق
می آرد روغن چراغ
گر به عصار من، میومیوا

این درو راکن باد میاد
اون درو واکن باد میاد
زن قزلیش میاد...
عاشق تقاش میاد...

گر به دارم، چه قشنگ
می رود شهر فرنگ
می آرد پیاله رنگ
گر به تجمار من، میومیوا

۳

ای پسته بشکن، پسته بشکن
لبهات نازکه، آهسته بشکن

گر به دارم چه ملوس
می رود شهر عروس
می آرد چوچه خروس
گر به خواستگار من، میومیوا

و حرف آخر این که این سند خود شاهد خوبی بر این مدعاست که در روزگاران پیشین چگونه «ادب رسمی» و «وظیفه شاعری»، زندگی خصوصی و درونی شاعران را کنار می زد و آثاری از این دست را، که صرف نظر از ارزش هنری نشان دهنده قسمتی از زندگی و روحیات شاعر است، قابل عرضه نمی دانست. و به این ترتیب ای پساچنین آثاری، ساخته شده برای کودکان، در روزگاران پیش تر هم وجود داشته است و افسوس...

سیروس طاهباز

xalvat.com

منابع و یادداشت ها:

۱. خانقاهی شروانی (۱۳۹۹، ۵۲۰). ق، دیوان، به تصحیح دکتر ضیاءالدین سجادی.
۲. به نقل از نسخه خطی آثار سراج قمری از نسخه «چستریتی» تحریر ۲۱۲ هجری. تاریخ ادبیات ایران، دکتر ذبیح الله صفا، چاپ دانشگاه، جلد سوم، ص ۶۸۹. ◀

۴. مانند مثنوی کوتاه «خوس و صیادان» که در آن می‌گوید:
 دو صیاد استاد و جلالک و چست یکی آلفرد نام و دیگری، اگست
 ۴. منظور از دیوان ایرج و شماره‌ها در همه جا کتاب «تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار
 ایرج میرزا» است. به اهتمام دکتر محمدجعفر محبوب، نشر اندیشه، چاپ سوم، ۱۳۵۳.
 ۵. دیوان بهار، چاپ اول، سال ۱۳۳۵، جلد اول ص ۵۱۴.
 ۶. دیوان بهار، چاپ دوم، سال ۱۳۴۵، جلد دوم.
 ۷. راقم این سطور تأثیر شعر صابر را در ادبیات دوره مشروطه، بخصوص از بفری و حتی
 ترجمه مستقیم شعر صابر را توسط سید اشرف‌الدین کیلانی (تسیم شمال) در یادداشتی به‌نگام نشر
 نخستین چاپ کتاب «هوب‌هوب‌نامه» با ترجمه فارسی احمد شفتی (نشریات دولتی آذربایجان باکو
 - ۱۹۶۵) در «دسترهای زمانه» (شهریورماه ۱۳۲۹، ص ۲۲۲) نمایانده است. این هم شاهدهی بر
 آشنائی «ایرج» با صابر:
 «در پشت کتابی که برای سردار عبدالعزیزخان، جنرال قنصل اقلان، مقیم مشهد فرستاده
 نوشته است:

عزیز نسخه اشعار «صابر» شاعر که پر بود ز
 گهرهای شاهوار عزیز ز دستدار عزیز
 رسیدی و اکنون پیادگار فرستم بدوستدار
 عزیز اساس دولت ایران و ترک و افغان را
 کند معزز و پاینده گردگار عزیز.

xalvat.com

- ص. ۱۹۰ دیوان ایرج، پیشین.
 ۸. «هوب‌هوب‌نامه» ترجمه احمد شفتی، چاپ دوم، باکو ۱۹۷۷. شماره‌های ذکر شده مربوط
 به همین چاپ است.
 چاپ دوم ترجمه می‌نظیر و سنایش‌انگیز احمد شفتی از هوب‌هوب‌نامه صابر به‌زبان فارسی سال
 گذشته در باکو به‌چاپ رسید و مناسفانه به‌دلیل نامعلومی در بازار کتاب ایران موجود نیست. آرزوی
 این کتاب تنها در این نیست که شعرهای سازنده‌اش، در زمان خود، بیش از یک اردو به مشروطیت
 ایران خدمت کرده است، در این هم هست که برگردانده‌اش بهترین و دقیق‌ترین ترجمه شعری
 ممکن را در زمان ما به‌زبان فارسی ارائه داده است که می‌تواند بهترین سرمشق برای مترجمان زمان
 باشد.
 ۹. دیوان محمودخان ملکشیر، صبا، ضمیمه سال بیست و سوم مجله ارمغان، آذرماه ۱۳۲۹.



